

و بوی حقیقت داشت. حقیقتی که تمام انسانها در طول تاریخ به دنبال آن بوده‌اند و سر در پی آن داشته‌اند.

این که ما مردم چه اندازه برای تحقق می‌کوشیم، بماند، ولی به یقین می‌توان گفت هر انسانی بدون در نظر گرفتن زمان و مکان زیستنش خواهان دنیایی است که در آن تفاهم و همدلی بین آدمیان حرف اول باشد. حتی اندیشمندانی که تاریخ را سراسر ستیزه می‌بینند و بر این اعتقادند که گروه‌های بشری در کشمکش دایم با یکدیگرند، بر این باورند که حاصل تضاد بین اجتماعات انسانی مدینه فاضله‌ای است که در آن آزاری نباشد و کسی را با کسی کاری نباشد. به عبارتی دیگر اگر انسانها به زیستن با یکدیگر محتاجند، رفع این احتیاج یعنی زیستن با دیگران، آزادی را برای

هموعانشان در پی نداشته باشد و این مهم ممکن نمی‌شود مگر آن که تعاون و همکاری در بین جوامع انسانی بسط و گسترش یابد. به انقلاب اسلامی مردم ایران از وجوه مختلفی نگریست. یکی از این وجوه بررسی میزان اتحاد و همکاری بین مردم انقلابی است. طبق نظر متخصصینی که شعارهای زمان انقلاب را تحلیل کرده‌اند، نزدیک به نیمی از شعارهایی که به مبارزه و جهاد مربوط می‌شود، در حقیقت فریادی است برای ایجاد اتحاد و همکاری بین مبارزان. از طرفی دیگر تمام آنهایی که زمان انقلاب را در خاطر خود دارند از اتحاد و اتفاق و تعاون و تعاون بین مردم با حسرت یاد می‌کنند. انگار دیگر آن روزها تکرار ناشدنی هستند!

«جواد شمس»، مغازه دار میانسالی که در آن روزها جوان ۲۵ ساله‌ای بوده است می‌گوید: «یادش بخیر، تظاهرات که می‌رفتیم هیچکس، در عین حالی که مسیر راه پیمایی طولانی بود خسته نمی‌شد! چون خانه‌ها و محلات مسیر راه پیمایی همه نوع وسایل آسایش و رفاه مردم را فراهم کرده بودند. از نوشیدنی بگیرد تا لباس گرم برای زمستان. اوضاع جوروی بود که همه احساس می‌کردیم اعضای یک خانواده هستیم.»



تعاون

و انقلاب اسلامی

واژه‌هایی ماندنی در گذر ایام

○ محمد اسکندری تربقان

دارد. هنوز یک ربع ساعت از گفته من نگذشته بود که ماشین پر از ملحفه‌های سفید، تمیز و اتو شده بود به گونه‌ای که من به سختی توانستم در داخل ماشین بنشینم و آن را به طرف بیمارستان برانم. آن چه که خواندید قصه‌ای نبود که در کتابهای داستان سراغش را بگیریم! بلکه واقعیتی بود از زبان «خسرو کلاتری» در ۲۱ بهمن ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت. واقعیتی عینی از وجود همکاری صمیمانه در بین انسانها. واقعیتی که رنگ

درگیری بین نیروهای گارد و مردم شدت یافته و بیمارستانها از مجروحین پر شده بود. بیمارستان محله ما برای بستری کردن مجروحان ملحفه کم آورده بود. یکی از پرستاران بیمارستان با صدای بلند فریاد زد: «مردم بروید ملحفه بیاورید» من با ماشینی که تا آن موقع با آن چند مجروح را به بیمارستان حمل کرده بودم به خیابانی در نزدیکی بیمارستان رفتم و به چند نفری که سر یکی از کوچه‌ها ایستاده بودند گفتم: بیمارستان احتیاج به ملحفه

«خانم محسنی» خانه دار، که در موقع انقلاب ۲۲ ساله بوده است می‌گوید: «آن روزها پر از کشت و کشتار توسط رژیم گذشته بود، ولی با این همه آنچنان صمیمیت و فداکاری بین مردم حاکم بود که تحمل فجایع را آسان می‌نمود. مادری را به یاد دارم که با وجود از دست دادن دو فرزندش در یکی از تظاهراتها، با رویی گشاده خرمای شهادت فرزندش را بین مردم تقسیم می‌کرد. اکنون نیز بعد از بیست و اندی سال، تبسم شیرین آن مادر در خاطر هست و مطمئن هستم تا آخر عمر آن را از یاد نخواهم برد.»

«مجتبی جوادیان» کارمند بازنشسته می‌گوید: «با وجود این که ۸۰ سال از خداوند عمر گرفته‌ام ولی تا حالا به یاد ندارم که مردم مملکت ما مانند دوران انقلاب اتحاد و اتفاق داشته باشند. این تفاهم و دوستی بین مردم در دوران انقلاب حتی از دوران جنگ نیز مهم‌تر و بیشتر بود. انگار همه مردم یکی شده بودند و یک تقاضای مشترک داشتند که آن هم سرنگونی رژیم شاه بود. از طرف دیگر مردم به هر چه که امام خمینی می‌گفت عمل می‌کردند. او می‌گفت: به خیابانها بیایید، همه می‌آمدند. می‌گفت: سربازها از سربازخانه فرار کنند، همه فرار می‌کردند! می‌گفت: کارمندهای دولت اعتصاب کنند، آنها هم اعتصاب می‌کردند!» او در ادامه چنین گفت: «ولی الآن هر کسی به فکر خودش است و به قول معروف می‌خواهد گلیم خودش را از آب بکشد! دنیای امروز پر از نیرنگ و ریا شده است!

«حسین رمقی»، معلم ۵۰ ساله، بدون این که نظر پیرمرد دنیا دیده را مردود بدانند، می‌گوید: «گاهی اوقات درگیری با مسائل و مشکلات زندگی روزمره که شدت آن در جامعه ما به علت در حال گذار بودنش افزون‌تر شده است، موجب می‌شود از واقعه بزرگ سال پنجاه و هفت غافل شویم، ولی برای ملت ماو به خصوص نسل جوان واجب است خود را از گرفتاریهای روزمره و جاری بیرون بکشند و از منظری بلند و تاریخی به واقعه بنگرند که توانست تغییر و تحول بزرگی در ایران و دیگر کشورهای

اسلامی به وجود آورد.»

او در مورد ویژگی مهم این انقلاب می‌گوید: جدای از رهبر انقلاب که آینه تمام نمای عزم و اراده ملت ایران بود، می‌توان به همدلی و وفاق بین مردم اشاره کرد. هر چند این همدلی و وفاق به عقیده عده‌ای دیگر در حال حاضر وجود ندارد ولی به نظر من شکل ظاهری آن عوض شده است و اگر وقت کنیم می‌توانیم آن را در مسائل دیگر اجتماعی مشاهده کنیم. به عنوان مثال حضور مردم در صحنه جنگ نمودی عینی از این اتحاد و همکاری است، یا شرکت آگاهانه مردم در انتخابات دوم خرداد را می‌توان حاصل اتحاد و اتفاق مردم ایران برای تأثیر گذاری بر سرنوشتشان دانست. اما واقعیت چیست؟ اگر مشارکت سیاسی مردم را که نمایانگر وظیفه‌شناسی و وفاداری افراد به نظام سیاسی است و مشروعیت و مقبولیت نظام را افزایش می‌دهد، نوعی تعاون بدانیم، آیا اصولاً در دوران انقلاب تعاونی بین مردم یا گروههای



دکتر شیخ‌وندی: اگر تعاون جنبه اجباری داشته باشد، منحصر به یک نوع خودکامگی می‌شود و در نتیجه یک تعاون اختیاری ضد خود را باز می‌آفریند که این تعاونی اخیر می‌تواند خبر از یک تغییر بنیادی دیگر را بدهد.

مختلف وجود داشته است؟ آیا اکنون و پس از انقلاب تعاونی در بین افراد جامعه وجود دارد و یا حداقل لازم است که وجود داشته باشد؟ وجود تعاون در بین مردم چه زیان‌هایی از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد؟! «دکتر سالار زاده» در مقابل این سئوالات چنین می‌گوید: «کلمه تعاون» دو مفهوم دارد. یکی مفهوم عام که منظور از آن همکاری بین گروهها، نهادها و سازمانها و به طور کلی هر نوع تشکیلی است و دیگری مفهوم خاص که در ارتباط با علم تعاون است و منظور از آن هر گونه همکاری بین سازمانی است که «از پیش طرح ریزی شده» باشد. با توجه به مفهوم اول، می‌توانیم بگوییم که در زمان انقلاب تا پیروزی آن حتی بعد از آن تعاونی وجود داشته است. البته همکاری بین مردم در زمان انقلاب برگرفته از یک حالت احساسی بود که مذهب هم در رشد این هیجانات و احساسات دخالت کامل داشته است. جدای از این هر انقلابی در بطن خود شرایطی را ایجاد می‌کند که موجب همکاری بین مردم می‌شود که این همکاری ناشی از احساسات و عواطف فردی است و برای انجام آن هیچ گونه طرح ریزی قبلی انجام نشده است.

استاد تعاون دانشگاه علامه طباطبایی در ادامه چنین می‌گوید: «با توجه به این تعاریف می‌توان گفت: رفتار افراد در هنگام انقلاب یک رفتار تعاونی نیست، البته از وجه تخصصی تعریف تعاونی، زیرا از پیش طرح ریزی شده نیست. جدای از این هدف انقلاب ایجاد تعاونی نیست بلکه هدف آن ایجاد تغییر بنیادی در نهادها، نگرشها و رفتارها است. البته بعد از پیروزی، انقلابها برای تداوم و استمرار خودشان و در حقیقت رسیدن به دموکراسی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نیاز به تعاونی به مفهوم تخصصی آن دارند. زیرا کارکرد تعاونی تعدیل قدرت و ثروت است. تعدیل قدرت یعنی جلب مشارکت عموم مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خودشان و تعدیل ثروت یعنی توزیع عادلانه امکانات

مجتبی جوادیان کارمند بازنشسته: مردم به هر چه که امام خمینی (ره) می‌گفت عمل می‌کردند، او می‌گفت: به خیابانها بیایید، همه می‌آمدند، می‌گفت: سربازها از سربازخانه فرار کنند، همه فرار می‌کردند، می‌گفت: کارمندهای دولت اعتصاب کنند، آنها هم اعتصاب می‌کردند.»

مادی. این استاد دانشگاه در ادامه می‌گوید: از دیگر کارکردهای عمده تعاون می‌توان به تعدیل قدرت و منزلت اجتماعی نیز اشاره کرد که موجب می‌شود پس از انقلاب نه تنها مشارکت سیاسی بلکه اجتماعی انسانها بالا برود. وقتی صحبت از مشارکت سیاسی می‌کنیم منظور این است که چگونه افراد توانسته‌اند به آگاهی و در مرحله اول آگاهی به فردیت خودشان برسند. منظور از آگاهی به فردیت تشخیص حق و حقوق فرد و گروه است به عنوان یک شهروند. یعنی فرد. در اجتماع به دنبال تحقق اهدافی است که جامعه در اختیارش گذاشته است نه این که به دنبال تکلیف باشد یا به عبارت دیگر فرد در جامعه موظف است، نه مکلف.

در غرب به دلیل این که با یک فردگرایی افراطی رو به رو هستند که در آن روابط خانوادگی و وجدان جمعی تضعیف شده است به بعد اجتماعی تعاونی رو آورده‌اند تا بتوانند آن به صورت جایگزینی برای این وجه‌های تضعیف شده استفاده کنند. جدای از این تعاونی علاوه بر جبران این وجه‌های تضعیف شده به صورت نهادی عمل می‌کند که در آن به صورت توأم آموزش آگاهی با فردیت و مشارکت صورت می‌گیرد که بعد از آموزش مشارکت، جلب مشارکت به وقوع می‌پیوندد که مشارکت سیاسی هم زیر مجموعه‌ای از این مشارکت است.

اما «دکتر شیخاوندی» جامعه

شناس صاحب نظر در حوزه انقلاب عقیده‌ای دیگر دارد. او می‌گوید: انسان اصولاً همانند بسیاری از جانداران جمع‌زی با تعاون و همیاری نوع خود، اگر نگوئیم که برخی از حیوانات دیگر، جریان قبل از تاریخ و دوران سنگی و غیر سنگی را زیر پا گذاشته و یا در تاریخ نهاده و تاکنون پایا و زایا باقی مانده است. او با تشکیل نخستین اجتماعات خانوادگی ایلی - قبیله‌ای و ایجاد تعاون به عنوان همکاری و همیاری با

خویشان ساخته و بر ضد خویشان تاخته است.

انسان بدین سان سنگ تمدن را در زمین و زمان بنا نهاده که این مرهون هم اندیشی، همدلی، هم دستی و هم سازی او است.

در قرون گذشته به طور کلی تعاون جنبه اجباری داشته است زیرا که بقاء نوع انسان و فرآورده‌های دست ساز و ذهن ساز او در گرو پاسداری و گذر از قرون بوده است به عبارت دیگر از برکت اسرگیری انسان و تدبیر و درایت جمعی، او به تکنیک‌ها و فنون آراسته شده است و نوع آدمی در بین فرهنگها و آیین‌های ایلی - قبیله‌ای را به عنوان یک وظیفه و تکلیف فرد بالغ اجتماعی بومی پدیدآورده است. در چنین اجتماعات ایلی - قبیله‌ای فرد به عنوان بافت جداناپذیر شبکه خویشاوندی «اجتماع به هم تنیده»، با تکرار اعمال و رفتار در «غسل تعمید جمعی» آبدیده شده و تمام باورها و مناسک و رویه‌های زیستی را بدون دگرگونی به عنوان جبر جامعه (تعاون اجباری) به نسلهای بعدی منتقل می‌کرده است. اما در خلال دویست سال اخیر به تدریج این زندگی اجتماعی ایلی - قبیله‌ای در بسیاری از کشورهای منطقه خاورمیانه فروپاشیده و جای خود را به شهرهای بزرگ چند هزار نفری و حتی چند میلیونی داده است. در این بین مدنیت به عنوان شهر نشینی با تمام پیچیدگی‌های مادی، فنی و معنوی آن مرهون تعاون انسانهایی است که راههای جهان را به عنوان شریانهای حیاتی و شهرها را به عنوان کانون فرهنگی بر پا داشته‌اند. در قرون اخیر و با توجه به تحولات تعاون اجباری ایلی - قبیله‌ای جای خود را به تعاون در جریان تکوین و استقلال فرد داده است.

سیاست به طور کلی و سیاست مبتنی بر قدرت ملت، در جریان شکل یابی دولتهای مدرن محصول تعاون جمعی مردمانی است

که در آشخور یک یا چند فرهنگ، ولی در یک سرزمین مشترک و در قلمرو یک دولت گرد آمده و خود را ملت واحدی پنداشته‌اند. این ملت با اتباهش اراده‌های خود و تفویض آن به یک نهاد که آن را دولت نام نهاده‌اند قدرت به خصوصی را تضمین و حاکمیت آن را بر خود هموار ساخته‌اند.

دکتر شیخاوندی با اشاره به روند تاریخی تعاون در فعالیتهای جمعی ایرانیان می‌گوید: در ایران از برکت تعاون ایرانیان است که از زمان خیزش کاوه، با گذر از انقلاب مزدک و انقلابات دیگر، به انقلاب اسلامی رسیدند که دم توفنده جمعی آنها را پیروزی این انقلابات محسوب می‌شود. اگر تعاون اختیاری و انتخابی مردم ما در بیست و اندی سال پیش نبود، آنها در راه تحقق آرمانهای خویش با جان و دل نمی‌کوشیدند و انقلاب ایران به ثمر نمی‌رسید. اگر تشکیلات انقلابی و رهبری مدبرانه‌ای در سطح کشور پدید نیامده بود و گروهها و افشار مردم از شعارهای نسبتاً مشترکی تبعیت نکرده و طبق برنامه و آگاهانه به خیابانها نریخته بودند و آتش انقلاب را روز و شب پاسداری نکرده بودند شاید امروز نمی‌توانستیم در آستانه بیست و دومین سال پیروزی انقلاب اسلامی، ادعای «نقش تعاون اختیاری جمعی رهبری شده» را در این گزارش داشته باشیم.

او در ادامه می‌گوید: «در جریان بالیده شدن و تحکیم قدرت انقلابی از همان برهه نخست مشارکت مردمی از طریق آرای عمومی و انتخاب نمایندگان برای ارگانهای دولتی «بدیضا» تعاون جمعی است و بدین سان می‌توان مدعی شد که جریان توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در گرو «تعاون افشار متعدد و اقوام متکثر» ملت ما است.

«دکتر شیخاوندی» در مورد تعاون و نقش آن در شرایط فعلی ایران می‌گوید:



دکتر سالار زاده: بعد از پیروزی، انقلابها برای تداوم و استمرار خودشان و در حقیقت رسیدن به دموکراسی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، نیاز به تعاونی به مفهوم تخصصی آن دارند.

«امروزه بیش از هر وقت دیگر، در جریان انتخابات دو سال اخیر مسئله «تعاون» به عنوان اهرم تشکل و تحرک جامعه مدنی مطرح شده و تا به امروز دوام و در بخشی از بخشها از آن جمله در تخریب تحقق یافته است. اگر به نحوه سوگیری‌های مطبوعات در دو سال اخیر و تشکل انواع محافل، توجه کنیم، نشانی از نوعی یاریابی و همیاری کسانی می‌بینیم که بن مایه تجانس آنها اندیشه‌ها و آرمانهای مشترک است. به معنی دیگر، «سرمایه» تعاون سیاسی، در جریان مشارکت خواسته‌ها و تمایلات سیاسی، مبتنی بر یک برنامه مشترک است. به این ترتیب مشارکت سیاسی مبتنی بر تشکیلات مدنی، نوعی از تعاون مدنی است که اراده آگاهانه انتخاب کنندگان را معین می‌سازد. آن چه که در این بین باید به آن اشاره کرد این است که اگر تعاون جنبه اجباری داشته باشد، منجر به یک نوع خودکامگی می‌شود و در نتیجه یک تعاون اختیاری ضد خود را باز می‌آفریند که این تعاونی اخیر می‌تواند خسیر از یک تغییر بنیادی دیگر را بدهد.

«دکتر سالارزاده» نیز در مورد تعاونی‌های ایران در پس از انقلاب اسلامی و نقش کلی آن در جوامع می‌گوید: انقلاب اسلامی به صورت کمی در رشد تعاونی‌ها (با توجه به مفهوم تخصصی آن) تأثیر داشت. یعنی یک سری تعاونی‌ها به عنوان «تعاونی‌های بازتابی و تکمیلی»، به خاطر رفع نیازهای موجود و یا پاسخ به نیازهای انقلاب ایجاد شد. ولی متأسفانه برخورد سازمان یافته‌ای با این تعاونی‌ها نشد. به این دلیل تعاونی‌ها بعد از انقلاب به صورت کمی رشد کردند ولی از نظر کیفی هیچ تفاوتی با تعاونی‌های قبل از انقلاب نداشته‌اند! به عبارتی دیگر تعاونی را به عنوان یک تشکل علمی در نظر نگرفته‌اند بلکه فقط برای رفع نیازهای روزمره بود که این نمی‌توانست موجب رشد کیفی تعاونیها باشد!

او در ادامه می‌گوید: ما تصور می‌کنیم که تعاونی باید مسائل اقتصادی را حل و فصل نماید ولی تعاونی به مسائل اجتماعی هم

توجه دارد. یعنی علاوه بر بهبود وضعیت اقتصادی، تعاونی کمک می‌کند که منزلت اجتماعی افراد بهتر شود. تعاونی می‌تواند در مقابل رشد سرمایه داری که کرامت انسانی را زیر سؤال می‌برد، این کرامت را حفظ کند. در حقیقت اگر روح تعاونی در جامعه‌ای حاکم باشد نیازی به انقلاب نیست زیرا در تعاونی است که فرد توسط آموزش مستمر به منابع فردی و گروهی خود آگاه می‌شود. اصولاً مفهوم تعاونی هدف تمام عالمان اجتماع بوده، به این صورت که آنها تعاونی را تنها روشی می‌دانند که می‌تواند ذهنیت مدینه فاضله را در واقعیت عینیت بخشد. به عنوان مثال دورکیم صراحت دارد که در جوامع پیشرفته صنعتی، تعاونی خودش یک راه حل است برای بهتر زیستن و از این طریق است که دیگر انسانها گرگ یکدیگر خواهند شد.

او در انتها می‌گوید: آینده جهان نه عصر ارتباطات است، نه عصر اطلاعات و نه عصر کامپیوتر. هر چند اینها نیاز بشریت است ولی کافی نیست، بلکه آینده جهان «عصر

تعاونی» است. عصری که تمام روابط اجتماعی و روابط بین الملل در چار چوب تعاونی حل و فصل می‌شود. آن چه در انتها باید گفت: این است که انقلاب اسلامی ایران با همدلی و همیاری کسانی صورت گرفت که قصد بر آن داشتند که سرنوشت خودشان را تغییر دهند. خداوند نیز در کتاب شریفش هشدار می‌دهد که ما سرنوشت امتی را تغییر نمی‌دهیم مگر آن که خود آنها در جهت این تغییر بکوشند. ما ایرانیان با توجه به این آموزه الهی، در ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷ توانستیم رژیم را بعد از ۲۵۰۰ سال تغییر داده و آن را به جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. ولی آیا این تغییر سبب حرکتی در درون ما نیز شده است؟ آیا توانسته‌ایم جدای از تغییر در نظام سیاسی، تغییراتی در رفتارها و نگرشهای خود در جهت بهبود مناسبات انسانی صورت دهیم؟

مطمئناً تاریخ آینده این مرز و بوم گواهی خواهد بود از خواسته‌های جمعی مردم این سرزمین برای دست یابی به جهانی مملو از صلح و دوستی.